

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده*: Kristen R. Ghodsee

برگردان: مرمر کبیر

۰۹ مارچ ۲۰۲۴

"مادربزرگهای سرخ" جنبش بین المللی زنان؛ نقش فراموش شده فمینیست های کشورهای شرق و جنوب



فمینیسم که امروز به یکی از موضوعات داغ رسانه ای تبدیل گشته و مقالات بسیاری را به خود اختصاص می دهد دارای تاریخچه ایست که زوایای ناشناخته بسیاری دارد. به عنوان مثال به سهم کشورهای بلوک شرق سابق در دستاوردهای زنان به ندرت اشاره می شود. باید دانست که اتحاد بین سازمان های زنان کشورهای شرقی و مستعمرات سابق جنوب نقش عمده ای در پیشبرد برابری جنسیتی در سراسر جهان داشته است

اگر شما امروز زنی هستید که در غرب زندگی و کار می کند، مطمئناً هرگز نام الناکادینووا و آنا دورشوای بلغاری، یا لیلی مونزه و شیپسا کانکاسای زامبیائی به گوشتان نرسیده است و نمی دانید که بخشی از حقوق خود را مدیون آنها می باشید. اگر تاکنون نام آنها را نشنیده اید به این دلیل است که برندگان جنگ سرد نقش موثر بسیاری از زنان بلوک شرق و کشورهای جنوب در جنبش فمینیستی بین المللی را کاملاً محو کرده اند. برخورد فاتحانه غرب پس از فروپاشی

اتحاد جماهیر شوروی، هرگونه میراث مثبت مرتبط با تجربه سوسیالیسم را از خاطرات جمعی زود و آن دوران را در اقتدارگرایی، صف در مقابل ناتوانی ها، گولاگ، محدودیت در سفرهای خارجی و پلیس مخفی خلاصه کرد. غربی ها معمولاً این امر که مدرنیزاسیون سریع روسیه و برخی کشورهای اروپای شرقی با ظهور سوسیالیسم دولتی همراه بوده را نادیده می گیرند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۱۰، در حالی که در فرانسه امید زندگی ۴۹ سال تخمین زده می شد، در روسیه تزاری تنها حدود ۳۳ سال بود. در سال ۱۹۷۰ در اتحاد جماهیر شوروی امید زندگی بیش از دو برابر شده و به ۶۸ سال رسید یعنی تنها سه سال کمتر از فرانسه در همان سال. اتحاد جماهیر شوروی اصل برابری حقوق بین زن و مرد را از سال ۱۹۱۸ در قانون اساسی خود ثبت کرد و سقط جنین را برای اولین بار در جهان در سال ۱۹۲۰ قانونی کرد. مدتها قبل از اینکه غرب به امر نگهداری از کودکان توجه کند، در اتحاد شوروی بودجه قابل توجهی به نگهداری جمعی از کودکان در مهدکودکها اختصاص داده شد و سرمایه گذاری زیادی در زمینه آموزش زنان انجام گرفت. با وجود برخی اختلالات ناشی از برنامه ریزی متمرکز، بلوک شرق پس از جنگ جهانی دوم به پیشرفتهای علمی و فنی چشمگیری نائل آمد که زنان در آن سهم بسزایی داشتند.



مسلم است که همه چیز کاملاً بی عیب نبود. سقط جنین در سال ۱۹۳۶ مجدداً ممنوع شد و این ممنوعیت تا سال ۱۹۵۵ همچنان ادامه پیدا کرد. فرهنگ پدرسالاری به ارث رسیده، زنان را مجبور می کرد تا علاوه بر کار بیرون، کارهای خانگی را نیز، که مردان از انجام آن سرباز می زدند، برعهده بگیرند. به دلیل کمبودها، خرید برخی از کالاهای اساسی به همان اندازه تلاش نیاز داشت که صعود به هیمالیا. پوشک های یکبار مصرف کودکان و یا محصولات بهداشتی زنانه اغلب در دسترس نبود. رده های بالای قدرت سیاسی و اقتصادی تا حد زیادی توسط مردان اشغال می شد. با همه اینها پیشرفتهای قابل توجه بود. پس از سال ۱۹۴۵، زنانی که در اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی زندگی می کردند عمده‌تاً وارد دنیای کار شدند، در حالی که در غرب زندگی زنان اغلب به محیط آشپزخانه و رفتن به کلیسا محدود می شد.



آنجا دیویس پس از خروج از زندان آنجا دیویس پس از خروج از زندان همراه با النا لاگادینوا (سمت راست) صوفیه ۱۹۷۲، عکس از آرشیو شخصی النا لاگادینوا

دردوران جنگ سرد ، جایگاه زنان در جامعه، رقابت بین دو بلوک را بر انگیخت و در کشورهای غربی باعث پیشرفهائی از روی چشم و همچشمی با شرق گردید. در سال ۱۹۴۲ امریکائی ها قهرمانی های خانم لیودمیلا پاولیشنکو، تک تیرانداز جوان شوروی را کشف کردند (وی یک تنه ۳۰۹ سرباز نازی را کشته بود) و شیفته وی گشتند، تا جائی که خانم الینور روزولت ، بانوی اول امریکا برای اینکه عقب نیفتند اورا مهمان کرد و به اتفاق هم دور ایالات متحده سفر کردند. واشنگتن تنها پس از پرتاب ماهواره Sputnik در سال ۱۹۵۷ انگران تهدید ناشی از رهائی زنان در شوروی شد. دولتمردان امریکا از خود پرسیدند آیا خطر سبقت گرفتن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در فضا با داشتن دو برابر بیشتر نیروی متفکر و کارشناس - یعنی مردان و زنان - نسبت به ایالات متحده آنها را تهدید نمی کند ؟ سال بعد دولت ایالات متحده قانون دفاع ملی را تصویب کرد که بودجه ای را برای آموزش علمی زنان در نظر می گرفت.

در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۱ ، رئیس جمهور جان اف کندی فرمان اجرائی ۱۰۹۸۰ را امضا کرد که به موجب آن نخستین کمیسیون ریاست جمهوری در مورد وضعیت زنان ایجاد شد. دلیل صدور فرمان در مقدمه آن، تقویت امنیت ملی ذکر شده است که نه تنها به نیاز دولت به ارتش ذخیره ای از زنان کارگر برای دورانهای جنگ اشاره دارد، بلکه همچنین ترس رهبران امریکائی از اغوای زنان خانه نشین توسط سوسیالیست ها و جذب آنها به سوی "سرخها" را آشکارا مطرح می کند.

زن فضاوردی که مطبوعات امریکا را مبهوت کرد

روز ۱۷ ژوئن ۱۹۶۳ ، تیتیر روزنامه نیویورک هرالد تریبون چنین بود : "این خانم بلوند از شوروی اولین زنی است که به فضا می رود" و اسپرینگ فیلد یونیون چنین نوشت : "شوروی اولین زن فضاورد را به مدار می فرستد." این

روزنامه‌ها تصاویری از والنتینا ترشکوا ۲۶ ساله را منتشر کردند که لبخند می‌زد و بر روی کلاه فضانوردیش به خط سیریلیک نوشته شده بود ("СССР" ج ش س، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی). نیکولا ویشنی روز ۱۸ ژوئن ۱۹۶۳ در روزنامه لوموند نوشت: "روس‌ها بدین ترتیب اثبات می‌کنند که زنان می‌توانند در سخت‌ترین آزمونهائی که فن‌آوری نوین پیش پای ما گذاشته با مردان رقابت کنند". در حالی که رهبران غربی همچنان از تأثیرات آزادی زنان بر زندگی خانوادگی سنتی در هراس بودند، اتحاد شوروی یکی از آنها را به فضا فرستاد... در واکنش به تعداد مدال‌های طلای زنان ورزشکار شوروی در بازی‌های المپیک مونیخ در سال ۱۹۷۲، امریکائی‌ها در آن سال قانونی را در جهت کمک به رشد ورزش زنان تصویب کردند. هر پیشرفتی در بلوک شرق، کشورهای سرمایه‌داری را مجبور به اقدامات جدید می‌کرد.



والنتینا ترشکوا سال ۱۹۶۳

تا اوایل دهه ۱۹۷۰، اتحاد جماهیر شوروی و متحدانش در گفتگوهای که در مورد وضعیت زنان در سازمان ملل در می‌گرفت تسلط داشتند. آنها همچنین در کنگره‌های سازمان یافته توسط فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان (FDIF)، که در سال ۱۹۴۵ در پاریس توسط فعالان چپ‌گرا تاسیس شد و شرکت‌کنندگان از چهل کشور را گرد هم می‌آورد، جایگاه اصلی را به خود اختصاص می‌دادند. دولت‌های غربی FDIF را به عنوان "نهادی از اقمار شوروی" معرفی می‌کردند. شعبه امریکائی آن، کنگره زنان امریکائی، در سال ۱۹۵۰ به دنبال گزارش کمیسیون پارلمانی درباره فعالیت‌های ضد امریکائی منحل‌گشت. در ژانویه ۱۹۵۱، پس از آنکه دبیر اول این نهاد بین‌المللی، خانم اوژنی کوتن که مسئول شعبه فرانسوی (اتحادیه زنان فرانسوی) نیز بود بر علیه جنگ استعماری فرانسه در هندوچین موضع گرفت، دفتر FDIF مجبور شد پاریس را ترک کند.

دفتر جدید فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان در برلین شرقی به دژی بر توان در دفاع از منافع مستعمرات سابق در جهان تبدیل شد. در اواخر دهه ۱۹۶۰، فدراسیون و سازمان‌های وابسته به آن کشورهای آفریقائی و آسیائی را تشویق کرد تا سازمان‌های زنان خود را بر اساس الگوی سازمان‌هایی که قبلاً در اروپای شرقی وجود داشت، ایجاد کنند و از حمایت مالی و تدارکاتی این نهاد بهره‌جویند.

در چارچوب مبارزه ضد استعماری، راه رشد سوسیالیستی با ملی کردن منابع طبیعی، برنامه ریزی اقتصادی و توسعه خدمات اجتماعی جایگزینی جذاب در برابر استعمار جدید که مدل سرمایه داری رشد را در چنجه داشت، ارائه می داد. بسیاری از رهبران کشورهای استقلال یافته جنوب اتحادیه های بلوک شرق ایجاد کردند. این امر باعث وحشت عمیق امریکائی ها شد که از گسترش نفوذ شوروی و اهمیت داشتند. در همان زمان، سازمان ها و تشکلهای مردمی در اروپای شرقی با سازمان های نو ظهور در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین همکاری می کردند. آنها مطرح می کردند که تنها حضور زنان در ساختارهای سیاسی- اقتصادی برای یافتن راه حل هائی برای مشکلاتشان کافی نیست و این امر که ممکن است در این ساختارها اشکال دیگر ظلم و نابرابری بر علیه زنان تداوم بخشیده شود را به چالش می کشیدند.

به ابتکار فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان و به پیشنهاد یک نماینده رومانیائی، سازمان ملل متحد سال ۱۹۷۵ را سال جهانی زن اعلام کرد تا توجه دولت های جهان را به وضعیت زنان جلب کند. این ابتکار با دهه سازمان ملل متحد برای زنان، که با سه کنفرانس مهم در مکزیکو سیتی (۱۹۷۵)، کپنهاگ (۱۹۸۰) و نایروبی (۱۹۸۵) برگزار شد، گسترش یافت. با همکاری با سازمان ملل متحد، ائتلافی از زنان کشورهای شرق و جنوب برنامه ای مترقی در جهت دفاع از زنان پی ریزی کرد که بازتاب آن هنوز پابرجاست.

حجاب فراموشی ای که سهم کشورهای سوسیالیستی در آزادی زنان را پوشانده است، به دلیل درک محدود از مفاهیم فمینیستی در غرب می باشد. در طول قرن بیستم، و حتی تا امروز، هواداران جریانهای مارکسیستی با انگ بی تفاوتی نسبت به تبعیضات نژادی و جنسیتی و طرح اولویت مبارزه طبقاتی بر سایر تقسیمات مهم جامعه، مورد انتقاد قرار گرفته اند. حال آنکه در عمل، کشورهای سوسیالیستی سابق اروپای شرقی، خصوصاً در مقایسه با کشورهای غربی، بسیار پیش از آنچه رسماً گفته می شود در راستای رهائی زنان و استعمارزدائی تلاش کرده اند. از تیرانا، در جنوب، تا تالین، در شمال، از بوداپست تا ولادی وستوک و فراتر از آن در کشورهایمانند چین، ویتنام، کوبا، نیکاراگوه، یمن، تانزانیا و اتیوپی، "مادر کارگر" ایده آل شوروی، باعث شد که این کشورها مهد کودک ها و غذاخوری های عمومی ایجاد کنند و به تامین هزینه برنامه های ویژه ای در حمایت از شهروندان بپردازند. در زمانی که زنان امریکائی برای راهیابی به دانشگاههائی که فقط مردان در آنها تحصیل می کردند در حال مبارزه و برای فرصتهای برابر در زندگی کاری در تلاش بودند، دولتهای سوسیالیستی دست به اصلاحات ساختاری برای اطمینان از تعادل بین زندگی و کار در خانواده زده بودند. همانطور که آروون فریزر، نماینده سابق ایالات متحده در اجلاس مکزیکوسیتی و کپنهاگ، به ما گفت: "شکی نبود که قدرت زنان، دست کم در سطح قانونی در بلوک سوسیالیستی بیشتر بود اما هیچ کس به خصوص اعضای هیئت نمایندگی ایالات متحده نمی خواست این واقعیت را بپذیرند".

در جریان برگزاری مقدمات اولین کنفرانس جهانی سازمان ملل در مورد وضعیت زنان در سال ۱۹۷۵، در مورد اهداف این رویداد اتفاق نظر وجود نداشت. بسیاری از زنان غربی، به ویژه امریکائی ها و فرانسوی ها، انتظار داشتند که برنامه در درجه اول بر موضوعاتی چون برابری اقتصادی و حقوقی متمرکز شود و کشورهای عضو سازمان ملل متحد را مجبور به اتخاذ تدابیری برای رفع اختلافات بین زن و مرد کند. به عنوان مثال در ایالات متحده امریکا دیری نبود که زنان حق تحصیل در هاروارد، نیل و پرینستون را داشتند اما درهای دانشگاه کلمبیا تا سال ۱۹۸۱ بروی آنها بسته بود.

در بسیاری از کشورهای غربی، زنان برای دستمزد برابر با مردان، برابری در کار و حمایت قانونی در برابر تبعیض جنسیتی مبارزه می کردند. آنها با تعصبات فرهنگی مبارزه می کردند که جایگاه "طبیعی" زنان را در خانه و تنها در مراقبت از خانواده می دید و با استقلال مالی آنها مخالف بود. اما به نظر می رسد که جنبش زنان غربی ایجاد نظم

اقتصادی جدید جهانی و یا مقاومت در برابر استعمار جدید را دغدغه هائی کاملاً غیرمجاز در چارچوب مبارزات فمینیستی می دانست. فرانسوا ژیرو ، رئیس هیأت فرانسوی در سازمان ملل و وزیر امور زنان در دوران ریاست جمهوری والرئ ژیسکار دستن ، اعلام کرد: "سال بین المللی زنان اگر اهداف سیاسی ملی یا بین المللی خاصی را دنبال کند، تنها به عنوان یک ترفند سیاسی جدید تلقی می شود، هر قدر هم که این اهداف قابل احترام یا درست باشد (۱)."



مدرسه "همبستگی، آگاهی و دوستی" زنان افریقائی و آسیائی در مدرسه "همبستگی، آگاهی و دوستی"، صوفیه ۱۹۸۰، عکس از آرشیو شخصی الناکادینوا

اما این نظر نمایندگان بلوک شرق نبود، آنها قصد داشتند تا از این کنفرانس به عنوان تریبونی برای مبارزه با آنچه که ریشه نابرابری جنسیتی می دانستند استفاده کنند. به ویژه ، آنها از فراخوان نمایندگان آفریقا ، آسیا و امریکای لاتین برای خلع ید از شرکت های بزرگ میراث دوران استعمار و ملی کردن منابع برای تأمین مالی توسعه اجتماعی و اقتصادی ، در جهت بهبود وضعیت زنان و کل جامعه، پشتیبانی می کردند.

در کنفرانس جهانی مکزیکو سیتی ، ۱۱۳ تن از ۱۳۳ رئیس هیئت های حاضر زن بودند. اتحاد جماهیر شوروی کیهان نورد والننتینا ترشکوا را به ریاست هیئت خود منصوب کرد و بلغارستان الناکادینوا، دارای دکترای زیست شناسی و کشاورزی را انتخاب کرد که یکی از جوانترین مبارزان بر علیه رژیم سلطنتی در کشورش بود، رژیم متحد نازی ها در جنگ دوم جهانی. شیبسا کانکاسا ، قهرمان مبارزه برای استقلال زامبیا درمقابل انگلستان، نماینده زامبیا بود که به دلایل شخصی مجبور به لغو سفر خود گردید. ویلما اسپین دو کاسترو کوبائی مبارز انقلابی و همسر آقای راتول کاسترو ، برادر فیدل ، گزارشی از پیشرفت جزیره خود در زمینه رهائی زنان ارائه داد: "ما هم اکنون به اهدافی که در این کنفرانس مطرح می شود رسیده ایم. در اینجا می توانیم تجربه خود را با زنان دیگر به اشتراک بگذاریم. زنان نیمی

از مردم یک کشورند و اگر شما در سیاست دخالت نکنید ، هرگز چیزی را تغییر نخواهید داد. " او در سال ۱۹۶۰ فراسیون زنان کوبا را تشکیل داد که چندین میلیون عضو داشت.

در ابتدا ایالات متحده در نظر داشت یک مرد را به عنوان رئیس هیئت نمایندگی به آن جلسه بفرستد : دانیل پارکر ، مدیر آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده (Usaid) برای امریکائی ها ، این کنفرانس فرصتی برای بحث در مورد زنان فراهم می کرد. بنابراین آنها معتقد بودند که یک مرد می تواند موقعیت کشور خود را در مورد موضوعات مورد بحث کاملاً شرح دهد. تنها پس از اعتراضات فمینیست ها بود که خانم پاتریسیا هوتار به عنوان یکی از دو رئیس هیئت نمایندگی منصوب شد. علاوه بر این ، واشنگتن به منظور جلوگیری از "سیاسی" شدن بیش از حد بحثها، از حضور خانم الیزابت فورد ، بانوی اول امریکا، در این کنفرانس جلوگیری کرد. برعکس ، زنان بلوک شرق قصد داشتند با مداخله در موضوعات داغ ژنوپلیتیک روز ، وزن مردان در سمت های ارشد سازمان ملل و در وزارتخانه های خارجه را متعادل تر کنند. نمایندگان کشورهای جنوب خاستار صحبت درباره توسعه ، استعمار ، نژادپرستی ، امپریالیسم و توزیع مجدد ثروت در مقیاس جهانی بودند. چگونه می شد در آفریقای جنوبی که در جنگال آپارتاید گرفتار بود و یا در یک کشور آفریقای مستعمره سابق که با فقر ، خشونت و افزایش سطح بدهی های خارجی دست و پنجه نرم می کرد تنها از برابری جنسیتی به صورت انتزاعی سخن راند؟

نمایندگان آفریقا بر این واقعیت تأکید کردند که مبارزه بر علیه نژادپرستی به اندازه مبارزه با تبعیض جنسیتی اهمیت دارد. آنی جیاگه ، قاضی دادگاه عالی دادگستری غنا و رئیس هیئت نمایندگی کشورش ، گفت: "این دو معضل دو روی یک سکه هستند." این وکیل مخالفت خود را با موضع امریکائی ها ابراز کرد : " آنها می خواهند بحث را بر سر برابری جنسیتی متمرکز کنند در حالی که ایالات متحده به ژنرال آگوستو پینوشه کمک کرده تا سالوادور آلنده ، رئیس جمهور شیلی را که به طور دموکراتیک انتخاب شده است ، سرنگون کند و هنوز وینتام را بمباران می کند." جیاگ در فراخوانی که در سال ۱۹۷۵ منتشر شد ، نوشت " برای ایجاد تغییرات حرف زنان را گوش دهید" ، وی اظهار داشت: " رهائی زنان بدون اراده آنها برای هم راستائی مبارزه شان در راه آزادی با مبارزه برای رهائی از همه قید و بند های دیگر در جامعه بی معنی است. زن آزاد شده از تبعیض جنسیتی نمی تواند ستمگری در دیگر عرصه ها را در کشورش تحمل کند. در جهانی که یک سوم جمعیت دو سوم کل ثروت را در انحصار خود دارند ، کشورهای ثروتمند باید سبک زندگی خود را تغییر دهند (۲)."

"نزدیکتر به کارل مارکس تا به بتی فریدان"

همبستگی بین زنان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای جنوب مشکلات ایدئولوژیکی ای را برای زنان غربی ایجاد می کرد. آنها با تعجب ، مشاهده می کردند که همتایان جنوبی شان فمینیسم الهام گرفته از لیبرالیسم را نفی کرده ، عقاید غربی ها را امپریالیستی می خواندند و به زعم آنها ، امریکائی ها و متحدانشان درست درک نمی کردند تا چه حد زنان سایر کشور ها سلطه نظام سرمایه داری را ریشه ظلم به خود می دانند. جین جاکت ، کارشناس امور سیاسی امریکائی که در گردهمائی سازمانهای غیر دولتی که به موازات کنفرانس رسمی در مکزیک برگزار می شد شرکت می کرد گفت: " فمینیست های امریکای شمالی از این که دیگر زنان معتقد نبودند که مرد سالاری علت اصلی ستم به زنان است و مشاهده این امر که زنان جهان سوم بیشتر به کارل مارکس احساس نزدیکی می کردند تا به بتی فریدان [فمینیست امریکائی] تعجب می کردند" (۳). در فضای بحث غیررسمی ، برخی از زنان کشورهای غربی نیز حضور داشتند که فمینیست سوسیالیست یا کمونیست بودند - این امر به ویژه در مورد زنان سیاه پوستی مانند آنجلا دیویس صادق بود. با

این حال ، نظرات آنها در هیئت های رسمی ، جایی که تقابل شرق و غرب حاکم بود انعکاس رسمی نداشت. آرون فریزر در سال ۱۹۸۷ در باره کنفرانس مکزیکو سیتی نوشت: "زنان امریکائی متوجه شدند که می توانند مورد تحقیر هم واقع شوند و این امر برخی از آنها را به شدت شوکه کرد. در حالی که جنبش فمینیستی جدید امریکائی از آنها می خواست همه زنان را انسانهایی بدانند که با یک هدف مشترک متحد شده اند و همه زنان جهان را دوست خود بدانند. در اولین نشست بین المللی فهمیدند که اینگونه نیست و این مشاهده برای برخی باعث ناامیدی و حتی دلسردی گشت" (۴). پس از کنفرانس مکزیکو سیتی ، بسیاری از دولت ها قوانین جدیدی را تصویب ، آمارها ی دقیقی را جمع آوری و دفاتر و وزارتخانه های ویژه زنان را ایجاد کردند. با تلاش دیپلمات ها و فعالان ، حمایت از اموال ، ارث ، حضانت فرزند و تابعیت (۵) افزایش یافت. دولتها مجبور شدند مرخصی والدین ، مهد کودک ها ، کمک هزینه های خانواده و سایر منابع را که برای حمایت از زنان در نقش دوگانه خود به عنوان کارگر و مادر در نظر گرفته شده است ، افزایش دهند. در سال ۱۹۸۰ ، در کپنهاگ ، چندین کشور عضو سازمان ملل متحد کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان را امضا کردند ، پیمانی که ایالات متحده و همچنین تعداد معدودی از کشورهای که در این زمینه سرسختی می کنند، مانند ایران ، سودان و سومالی هنوز آنرا امضا نکرده اند.

در طول دهه سازمان ملل متحد برای زنان (۱۹۷۵-۱۹۸۵) ، FDIF تأمین مالی شرکت در کنفرانس ها در مکزیکو سیتی ، کپنهاگ و نایروبی را برای صدها فعال از کشورهای جنوب به لطف پیشنهاد بلیط مجانی هواپیما از جانب Aeroflot ، Balkan Air ، هواپیمائی JAT Yugoslav Airlines و سایر خطوط هوائی بلوک شرق مهیا کرد. در سال ۱۹۷۷ ، FDIF و فدراسیون زنان کوبا مدرسه ای را در هاوانا افتتاح کردند تا زنان را برای سمت های بالا در سازمان ملل متحد آماده کنند. ساختاری مشابه در صوفیه در سال ۱۹۸۰ برای فعالان آفریقائی و آسیائی ایجاد شد. در سال ۱۹۸۵ ، FDIF و کمیته زنان بلغارستان مسئولیت مسکن و تغذیه صدها زن آفریقائی را که در مجمع سازمانهای غیر دولتی که به موازات کنفرانس نایروبی برگزار شد ، عهده دار شدند.

علی رغم تنش های گاه و بیگاه ، این زنان موفق به ایجاد شبکه های فراملی شدند. لیلی مونزه ، چهره برجسته فمینیسم در زامبیا ، اولین تجربه اش در یک کنفرانس بین المللی در مسکو آغاز شد . این عضو سابق هیئت رسمی زامبیا در کپنهاگ و نایروبی ، که سفیر کشورش در فرانسه شد ، در سال ۲۰۱۲ طی مصاحبه ای به اشکال مختلف حمایت کشورهای بلوک شرق از زنان آفریقائی که مایل به مبارزه با امپریالیسم غرب بودند اشاره کرد. وی گفت: "این همکاری به ما کمک کرده است. علاوه بر بازدیدهای متقابل - گاهی اوقات آنها به اینجا می آمدند ، گاهی اوقات ما به دیدن آنها می رفتیم - ما از بورس برای تحصیل در کشورهای سوسیالیستی و پرداخت هزینه های مربوط به شرکت در کنفرانس ها بهره مند شدیم" . حمایت جانبدارانه و مادی کشورهای سوسیالیستی ، دولت ایالات متحده را بر آن داشت تا بودجه ای به سازمان های لیبرال فمینیستی (با تمرکز تنها بر موضوع برابری جنسیتی) در کشورهای جنوب اختصاص دهد. بر اساس این که کشورشان همسو با مسکو باشد و یا واشنگتن ، زنان کشورهای جنوب از رقابت مالی بین قدرت های بزرگ استفاده کردند تا در تعداد زیادی از رویدادهای بین المللی در طول دهه ۷۵ تا ۸۵ شرکت کنند و از آنها بهره مند شوند.

در سال ۲۰۱۰ ، هنگامی که تحقیقات در مورد جنبش بین المللی حقوق زنان را آغاز کردیم ، هرگز تصور نمی کردیم چگونه روایت این داستان به نفع فمینیست های امریکائی و متحدان غربی آنها تحریف شده است و چگونه نقش مبارزات زنان در بلوک شرق و کشورهای جنوب علیرغم نفوذ ائتلاف آنها در سازمان ملل و انعکاس آن در تبادلات بین المللی ، زودگذر گشته است ؟

بخشی از پاسخ به این سوال در انتقال سریع رژیم های کمونیستی به "دموکراسی" و تجارت آزاد نهفته است. زنانی که ما بین سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۷ در بلغارستان ملاقات کردیم با حقوق بازنشستگی کمی حدود ۲۰۰ یورو در ماه زندگی می کردند. حتی اگر آنها برای بازنشستگی خود پولی هم کنار می گذاشتند ، با از بین رفتن بانک های بلغارستان در اواسط دهه ۱۹۹۰ ، همه چیز را از دست داده بودند و حتی اگر پول را زیر تشک های خود پنهان کرده بودند ، ارزش آن از دست رفته بود و در اثر فشار تورم دود شده و به هوا رفته بود. بعد از فروپاشی، خدمات عمومی ناپدید ، سیستم بهداشتی برچیده و قیمت داروها سر به فلک کشید.

اما برندگان جنگ سرد با چنین مسائلی مواجه نشدند . بیشتر زنان امریکائی که در سه کنفرانس جهانی شرکت کرده بودند از طبقات بالای جامعه بوده و از امتیاز زندگی در کشوری که هنوز هم سر پا بود برخوردار بودند. در سال ۲۰۰۷ ، آرون فریزر اعتقاد داشت که او و شوهرش جزء "پیران طلایی" هستند چرا که از "سلامت جسمی خوب و حسابهای فردی پس انداز بازنشستگی ، حقوق بازنشستگی ، تأمین اجتماعی برخوردارند و هیچ هزینه اضافه ای هم ندارند" و لذا از وقت و منابع لازم برای نوشتن خاطرات و تحقیق بی دغدغه در مورد تجربیات خود در دهه سازمان ملل با فراغ بال برخوردارند. آنها به انگلیسی سلیس می نوشتند آنها در جامعه ای با خرده فرهنگ فمینیستی که مخاطبین مشتاق انتشار تاریخ زنان بودند.

بایگانی هانی که به نابودی تهدید می شوند

فعالان فمینیست غربی غالباً از نفوذ و ارتباطاتی برای اطمینان از حفظ اسناد شخصی خود در بایگانی ها یا انجمنهای تاریخی و دسترسی به آنها برای نسل های جوان محقق برخوردارند. در سال ۲۰۱۸ ، دو زن امریکائی که در دهه سازمان ملل نقشی اساسی داشته اند ، به ترتیب در سن ۹۲ و ۱۰۰ سالگی درگذشتند. اولین زن ، آرون فریزر ، در نیویورک تایمز (۷) حق یک آگهی ترحیم را داشت ، و انجمن تاریخی مینه سوتا هشتاد جعبه آرشیو شامل سخنرانی ها و گزارش های وی از زمان عضویت اش در هیئت رسمی ایالات متحده برای مکزیکو سیتی و کپنهاگ را جمع آوری و نگه داری می کند. دومین زن ، میلدرد پرسینگر ، سازمان دهنده سالانه بین المللی زنان ، که همزمان با کنفرانس رسمی در مکزیکو سیتی برگزار می شد ، مقالات خود را به کتابخانه Wyndham Robertson متصل به دانشگاه Hollins در ویرجینیا بخشید. این موسسات ابزارهای پیشرفته برای دیجیتالی کردن اسناد دارند ، که کارمحققانی را که به دنبال منابع دست اول می باشند آسان می کند. بایگانی های Persinger مربوط به دهه سازمان ملل متحد برای زنان همچنین به صورت دیجیتالی در پایگاه داده های بین المللی زنان و جنبش های اجتماعی به میزبانی مطبوعات الکساندر استریت موجود است.

زنان در کشورهای سوسیالیست شرق و کشورهای جنوب حق برخورداری از چنین امکاناتی را نداشته اند. آنا دورشوای بلغاری ، که از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ خزانه دار FDIF در برلین شرقی بود ، در سال ۲۰۱۴ درگذشت (۸). الناز لاکادینووا ، رئیس سابق کمیته زنان بلغارستان و گزارشگر کلی کنفرانس نایروبی ، در اکتبر ۲۰۱۷ درگذشت (۹). شیبسا کانکاسا ، که زمانی رهبری گروه زنان بریگاد زامبیا را بر عهده داشت ، در سال ۲۰۱۸ فوت کرد (۱۰). این سه زن دارای بایگانی شخصی و یادداشت هایی از فعالیت های خود در دهه سازمان ملل متحد برای زنان بودند که اگر وارثان آنها سخاوتمند نبودند و اجازه نمی دادند از برخی از آنها عکس بگیریم و نگهداری کنیم ، از بین می رفت.

اگرچه نام آنها غالباً فراموش گشته ، اما این زنان ائتلاف های محکمی را بر اساس آرمان خود برای ساختن جهانی عادلانه و صلح آمیز ترسیم کرده اند، جهانی که در آن جایگاه سود و آفراتر از منزلت اساسی ترین نیازها ی بشری

نباشد. همبستگی های بین کشورهای شرق و جنوب به طرز ماهرانه ای از رقابت های دوران جنگ سرد برای تحمیل پیشرفت در احراز حقوق زنان در سراسر جهان استفاده می کرد.

"مادربزرگ های سرخ" ما معتقد بودند که "جهان دگری ساختن از این خاک" ممکن است. حتی اگر صدای آنها خاموش شده باشد ، امیدواریم که رویاهای آنها پایدار بماند.

۱ - Jennifer Seymour Whitaker, " Women of the world : Report from Mexico City ", Foreign Affairs, vol. ۲۴, n° ۱, New York, octobre ۱۹۷۵

۲ - " Listen to the women for a change " (PDF), site du Barnard Center for Research on Women

۳ - Jane Jaquette, " Crossing the line : From academic to the WID office at USAID ", dans Arvonne S. Fraser et Irene Tinker (sous la dir. de), Developing Power : How Women Transformed International Development, The Feminist Press at CUNY, New York, ۲۰۰۴.

۴ - Arvonne S. Fraser, The UN Decade for Women : Documents and Dialogue, Westview Press, Boulder (Colorado) et Londres, ۱۹۸۷

۵ - در برخی کشورهای زنانی که همسرشان ملیت کشور دیگری را دارد حقوق شهروندی خود را از دست می دهند به مقاله زیر رجوع کنید Warda Mohamed, " Femmes arabes, l'égalité bafouée ", Le Monde diplomatique, janvier ۲۰۱۴

۶ - Arvonne Fraser, She's No Lady : Politics, Family, and International Feminism, Nodin Press, Minneapolis, ۲۰۰۷

۷ - Neil Genzlinger, " Arvonne Fraser, who spoke out on women's issues, dies at ۹۲ ", The New York Times, ۱۰ août ۲۰۱۸

۸ - " A death in the field ", Savage Minds, ۸ janvier ۲۰۱۵

۹ - " The youngest partisan ", Jacobin, ۱۲ janvier ۲۰۱۷, www.jacobinmag.com

۱۰ - " Freedom fighter and politician Mama Chibesa Kankasa has died ", Lusaka Times, ۲۹ octobre ۲۰۱۸

* - نویسنده Kristen R. Ghodsee: استاد مطالعات در باره روسیه و اروپای شرقی ، عضو گروه فارغ التحصیلان انسان شناسی در دانشگاه پنسیلوانیا. نویسنده کتاب "چرا زنان در نظام سوسیالیستی رابطه جنسی بهتری داشتند" ، لوکس ، مونترال ، ۲۰۲۰.

منبع: لوموند دیپلماتیک